

رویکرد حدیثی اسلام‌پژوه معاصر حاکم عبیسان مطیری

مریم ولایتی کبابیان^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵، پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳، صفحه ۱۱۵ تا ۱۳۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

حاکم مطیری، از چهره‌های آکادمیک جهان اسلام با رویکرد سلفی است که در دو حوزه مطالعات اسلام و شرق‌شناسی فعالیت دارد، وی دارای تألیفات فراوان است. از آن جا که مطالعه درباره اسلام سیاسی برای وی در درجه نخست اولویت قرار دارد، به موازات فعالیت‌های علمی‌اش، بیش‌تر یک چهره فعال و شناخته شده سیاسی به شمار می‌آید. وی مسلمانان را به مبانی گفتمان سیاسی اسلام مبتنی بر قرآن، سنت نبوی و سیره خلفای راشدین دعوت می‌کند و منتقد سرسخت سیاست ورزی‌های حاکمان اسلامی است. موضوعات حدیثی و سیاسی در آثار حاکم به شدت در هم تنیده است و می‌توان گفت عمده آراء و اندیشه‌های سیاسی او مبتنی بر روایات است. او ادعا دارد همواره مقید به ذکر احادیث صحیح و اخبار منقول بوده و به بررسی‌های سندی اهتمام دارد، هرچند منتقدانش بر این باورند که گرایش سیاسی حاکم هم‌چون یک مؤلفه تأثیرگذار بر رویکرد حدیثی او و چگونگی استناد وی به روایات عمل، بی‌تأثیر نبوده است. به جز موارد یادشده، بازتاب روشن حدیث در آثار حاکم را در موارد مربوط به تفسیر اثری، مصطلح الحدیث منظوم، سنن النبی مآثور و پاسخگویی به مستشرقان در موضوع تدوین سنت شاهدیم. استناد گسترده به روایات در همه این موارد به وضوح قابل مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: حجیت سنت، کتابت و تدوین حدیث، حاکم عبیسان مطیری، مستشرقان، خاورشناسان، سلفی‌گری، تاریخ حدیث.

درآمد

مطالعات حدیثی دوران معاصر که بخشی از مطالعات تاریخی حدیث را تشکیل می‌دهد، هم در غرب و هم در جهان اسلام رونق چشمگیری داشته است. اندیشمندان غربی، در سه حوزه نقد و ارزیابی حدیث که در پی اصالت و اعتبار سنجی احادیث اسلامی است، تأثیر حدیث بر فرهنگ مسلمانان و نیز برخی از شاخه‌های علوم حدیث به مطالعه پرداخته‌اند. دانشمندان جهان اسلام نیز عمدتاً در دو حوزه پاسخ‌گویی به مستشرقان شکاک و مطالعات حدیثی مستقل چه در دنیای تشیع و چه میان اهل سنت، آثاری را ارائه کرده‌اند.

در میان اندیشمندان عرب دو رویکرد عمده نص‌گرایی و عقل‌گرایی در رویارویی با حدیث (برای آگاهی از رویکردهای حدیثی معاصر، نک: مهریزی، ۱۳۸۳ق، سرتاسر اثر) به چشم می‌خورد که حاکم مطیری از دسته نخست است. او هم‌چنین در حوزه تعامل با خاورشناسان در کنار افرادی چون نبیه عبود، فواد سزگین، محمد مصطفی اعظمی، سعد مرصفی، محمد ابوشهبه، احمد عمر هاشم، محمد بهاء‌الدین، حیدر حب‌الله و... با دغدغه پاسخگویی به مناقشات مستشرقان پا به عرصه تحقیق و پژوهش گذارده و در مقابل دیدگاه ایشان در خصوص اصالت حدیث، سعی دارد نشان دهد مجموعه‌ای عظیم از اخبار و روایات منابع اسلامی وجود دارد که اثبات می‌کند اولاً کتابت حدیث در سده نخست هجری صورت گرفته و در ثانی، تدوین مجموعه‌های حدیثی در سده دوم هجری انجام شده است.

طرح مسئله

چنان که گذشت به هنگام بحث از جریان‌شناسی مطالعات حدیثی در دوران معاصر، آن هنگام که به تلاش‌ها و فعالیت‌های اندیشمندان جهان اسلام و بویژه عرب در تعامل با خاورشناسان و نیز رویکرد نص‌گرایی اشاره می‌شود، نام حاکم عبیسان مطیری به چشم می‌خورد. این فرد با وجود دارا بودن آثار و تألیفات متعدد در حوزه دین و سیاست و هم‌چنین شهرت فراوان در میان دانشوران عرب، در میان جامعه آکادمیک شیعه به هیچ‌رو شناخته شده نیست و هیچ منبع فارسی یا عربی منسجم، به شناخت ابعاد علمی و سیاسی شخصیت وی نپرداخته است؛ از این‌رو، فحص و بررسی

پیرامون آراء و نظریات وی در حوزه حدیث به جهت تعامل هر چه بهتر و سازنده‌تر با اندیشه‌های مطرح در جهان اسلام لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس نوشتار حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش هاست: اولاً، رویکرد حدیثی حاکم مطیری چگونه است؛ ثانیاً، میزان پایبندی روشی او به رویکرد یادشده تا چه اندازه است؛ ثالثاً، در تعامل با خاورشناسان کدام موضوعات بیش از سایر مباحث مورد توجه و اهتمام وی بوده، و دلیل آن چیست؟

۱. آشنایی با مطیری

حاکم بن عیسیان حمیدی (حمیدانی) مطیری که در بیش‌تر آثارش با عنوان ا. د. حاکم مطیری شناخته می‌شود، در هفتم نوامبر سال ۱۹۶۴ در کویت دیده به جهان گشود و اکنون ۵۵ سال دارد. وی استاد تفسیر و حدیث دانشکده الشریعه دانشگاه کویت است و مذهب فقهی وی، حنبلی است. وی را با القاب دیگری هم چون فقیه، محدث، کاتب، مفکر اسلامی و فعال سیاسی نیز معرفی کرده‌اند.

الف) زندگی علمی مطیری

وی در حال حاضر رییس حزب الأُمه کویت و دبیرکل موتمر الأُمه است و در تأسیس هر دو مشارکت داشته است. حزب الأُمه یکی از احزاب سیاسی کویت است که توسط مسلمانان سلفی و محافظه کار تأسیس شده، موتمر الأُمه نیز اتحاد بین سازمان‌های سیاسی منطقه عربی است که معتقد است بحران منطقه، بحران امت است و رویارویی با آن ممکن نیست مگر به واسطه مشروعیت‌بخشی به امتی که مبتنی بر گفتمان سیاسی قرآن، پیامبر (ص) و خلفای راشدین ایجاد شده باشد، شعار موتمر الأُمه، «نحو أمة واحدة و خلافة راشدة» است (برای آگاهی از بنیان‌های نظری موتمر الأُمه، نک: *الرسائل المهمة إلى مؤتمر الأُمه*، ۳-۳۴). وی در یکی از آثارش که به زعم خود نخستین بررسی انتقادی - تحلیلی در خصوص تاریخ اهل سنت و جماعت است، نشان می‌دهد که پدیداری شعار یادشده و ظهور اصول اعتقادی و سیاسی شکل گرفته پیرامون آن، به چه نحو بوده است (مطیری، ۲۰۱۰م، ۲).

حاکم مطیری از محضر مشایخ متعددی در حوزه فقه، تفسیر، حدیث، نحو و بلاغت در کویت، ریاض، مکه، قسیم و انگلستان بهره برده که از آن میان می‌توان به محمد بن سلیمان جراح، امام و

فقیه حنبلی کویتی (د ۱۹۰۲م/ ۱۹۹۶م)، محمد بن سلیمان أشقر، عالم اسلامی و فقیه اصولی (د ۱۹۳۰م/ ۲۰۰۹م)، عجیل جاسم نشمی، مسئول ارتباطات علماء شریعت با دولت مردان مجلس تعاون خلیجی در کویت (د ۱۹۴۶م/ زنده) و... در حوزه فقه حنبلی، عبدالرحمان بن عبد الخالق، پژوهشگر اسلامی و مبلغ مصری کویتی (د ۱۹۳۹م/ ۲۰۲۰م)، شیخ عبدالعزیز بن باز، مفتی وهابی سعودی (د ۱۳۳۰ق/ ۱۹۲۱م)، عبدالستار فتح الله، از علماء الازهر و عضو سابق مکتب ارشاد اخوان المسلمین در مصر (د ۱۹۳۱م/ زنده) و... در زمینه تفسیر و عبدالله بن قعود، عالم سلفی سعودی متأثر از اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب (د ۱۳۴۳ق/ ۱۴۲۶ق)، محمد بن صالح عثیمین، عالم سلفی سعودی مدرس دانشگاه اسلامی عنیزه و امام و خطیب جمعه مسجد جامع عنیزه و متأثر از اندیشه‌های ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه (د ۱۳۴۷ق/ ۱۴۲۱ق) و... در موضوع حدیث اشاره کرد.

برای وی تالیفات متعدد (۳۴ عنوان کتاب) با موضوعات مختلف ثبت شده که می‌توان آن‌ها را در حوزه‌های سیاست، حدیث، اعتقادات و سیره جای داد. در ادامه راجع به عناوین و موضوعات آثار وی بیش‌تر صحبت خواهیم کرد.

در ادامه قصد داریم تا رویکرد حدیثی حاکم مطیری را از خلال آثار وی ارزیابی کرده و در مواقع لزوم، نقد نماییم. از آن‌جا که وی یک چهره سیاسی مشهور است و بی تردید پایه‌های تفکرات سیاسی و منظومه فکری او در حوزه اسلام سیاسی، عمدتاً ریشه در اندیشه‌های دینی وی، اعم از قرآن و حدیث دارد، لازم است درنگی کوتاه بر رویکرد سیاسی او نیز داشته باشیم.

ب) رویکرد سیاسی حاکم مطیری

بیش‌ترین شهرت حاکم مطیری به واسطه آثار، مباحثات و نظریاتی است که در حوزه اسلام سیاسی دارد، در حقیقت به نظر می‌رسد وی بیش از آن که یک چهره علمی باشد، یک شخصیت سیاسی با رویکرد سلفی است. در کنار استنادات فراوان وی به سخنان صحابه، استناد به سخنان ابن تیمیه و ابن حزم در جای جای آثار او قابل مشاهده است (نک: مطیری، ۲۰۰۳م، ۱۴، ۱۷۹، ۲۰۳، ۳۶۰). مهم‌ترین کتاب‌های سیاسی او *الحرية أو الطوفان*، *تحرير الانسان و تجريد الطغیان*؛ *دراسة فی أصول الخطاب السیاسی القرآنی والنبوی والراشدی و نحو وعی سیاسی راشد* است که موضوع اصلی آن‌ها، حول محور نظام سیاسی اسلام و ارتباط آن با جوامع انسانی و نیز

آزادی انسان بر محور توحید و رهایی از شرک است و به وحدت و یکپارچگی مؤمنان که قرآن از آن با تعبیر «أمة واحدة» یاد کرده تأکید دارد؛ برای نمونه وی در کتاب *تحریر الانسان و تجرید الطغیان* معتقد است بسیاری از دول سیاسی عالم، ظالم و فاسد بوده و راه رهایی از آن‌ها و رسیدن به حریت، تجدید دین و رسیدن به امت واحده است و لذا می‌کوشد در این کتاب به پرسش‌های دشوار پیرامون اصول اعتقادی که به واسطه تسلط گفتمان دینی حکومتی ایجاد شده، پاسخ گوید (مطیری، ۲۰۰۷، ۷-۸). سایر کتاب‌های وی از جمله *السنن النبویه فی الأحکام السیاسیة و مختصر آن، الحریة أو الطوفان، الفرقان بین حقائق الایمان و اباطیل الشرک و الطغیان، معالم الدولة الراشده، الخلافة و الیدیموقراطیة، اهل السنة و الجماعة الأصول الإعتقادیة و المشکلات السیاسیة دراسة تحلیلیة و رویة مستقبلیة و هم‌چنین الأصول الشرعیة فی الأحکام السیاسیة* نیز با همین دغدغه نوشته شده است (نک: پایگاه رسمی رسمی مطیری^۱).

حاکم در دو کتاب *الحریة أو الطوفان و نحو وعی سیاسی راشد*، به بررسی مختصر گفتمان سیاسی اسلام و مراحل تاریخی آن پرداخته و توضیح می‌دهد که منظور از این مراحل، منظومه احکام و قواعدی است که ساختار حکومت‌ها در دولت اسلامی بدان وابسته است و بر اساس آن پایه‌ریزی می‌شود (مطیری، ۲۰۰۳، ۷) و در کتاب *تحریر الانسان*، سعی دارد مسلمانان را به مبانی گفتمان سیاسی اسلام، مبتنی بر قرآن، سنت نبوی و سیره خلفای راشدین دعوت کند. منظور وی از اصول گفتمان سیاسی قرآن به‌طور خاص، اصول عقایدی است که باید به آن‌ها ایمان آورد و نظام سیاسی دولت‌های اسلامی مبتنی بر آن است؛ یعنی بر اساس آن شکل می‌گیرد و فهم اصول عملی و فهم بنیان‌های عملی شریعت بدون فهم این اصول اعتقادی ممکن نیست (مطیری، ۲۰۰۷، ۴۱). از نگاه او نقطه مقابل گفتمان قرآنی، گفتمان حکومتی است که پیروان آن برای رد گفتمان قرآنی به آیات متشابهی از جمله «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ» (آل عمران/ ۲۶)، به منظور اثبات مشروعیت وجود پادشاهان تمسک می‌کنند (مطیری، ۲۰۰۷، ۷۰). از نگاه وی اصول گفتمان سیاسی قرآن عبارت است از توحید، تکریم انسان، آزادی

او، عدالت، اخوت و شورا که فهم صحیح این‌ها مشکلات انسان، جامعه و دولت را حل می‌کند. وی هم‌چنین به‌طور مفصل به تبیین اصول گفتمان سیاسی پیامبر (ص) و خلفای راشدین پرداخته و در همه این موضوعات همواره به آیات و روایات متعددی استناد ورزیده است که به پاره‌ای از آن‌ها در بخش‌های بعدی اشاره خواهد شد (مطیری، ۲۰۰۷م، ۴۱).

چهره‌ای که از حاکم در برخی از اخبار سایت‌های رسمی عربی از جمله العربیة^۱، الریاض^۲، بوابة الحركات الاسلامیة^۳ منتشر شده، او را تحت حمایت جماعت اخوان المسلمین معرفی کرده که دارای افکار جهادی است. این را می‌توان از روایات متعددی که در بیان اهمیت جهاد بدان‌ها استناد کرده دریافت از جمله: «إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِينَةِ وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ وَرَضَيْتُمْ بِالزَّرْعِ وَتَرَكْتُمُ الْجِهَادَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ» (ابوداود سجستانی، ۱۴۲۰ق، حدیث ۳۴۶۲). او هم‌چنین معتقد است جهاد منحصر به مبارزه با دشمن خارجی نیست؛ بلکه استبداد داخلی را نیز شامل می‌شود (مطیری، ۲۰۰۷م، ۲۳ با اندکی تغییر در متن حدیث). وی در دو کتاب سیاسی خود *الحرية أو الطوفان و تعبید بلا أَعْلَال* مدعی شده خلافت اسلامی باید احیا شود و جهاد، بدون اطاعت از ولی امر صورت بگیرد و استعمار حاکم بر جهان عرب در مناطقی چون شعب خلیج و جزایر عربی به پایان برسد (مطیری، ۲۰۱۱م، ۵). در پایگاه‌های اینترنتی مذکور وی در شمار کسانی شناسانده شده که قائل به تکفیر دولت‌های اسلامی است و از سرشناس‌ترین چهره‌های دعوت به عملیات انتحاری بویژه در مورد جماعات تروریستی سوریه به شمار می‌رود. هم‌چنین وی را از قوی‌ترین حامیان تندرو محسوب می‌کند که همواره با گفتمان معتدل اسلامی در تخالف است و معتقد است جهاد و مبارزه در حوادث فعلی، نیازی به اخذ تأیید از سوی حاکم سیاسی هیچ کشوری ندارد. حاکم در کتابی که به‌طور مشخص به انگیزه پاسخ به سؤالات و تردیدهای جامعه اسلامی در خصوص جنگ سوریه نوشته، مطالبی را عنوان می‌کند که موید آراء فوق و رویکرد افراطی اش نسبت به جهاد است (مطیری، ۲۰۱۳م - ب، سرتاسر اثر).

-
1. al-Arabiya.
 2. Alriyadh .
 3. arabo.

با این همه در میان احکامی که وی درخصوص جهاد بیان کرده، یک نکته مهم جلب نظر می‌کند و آن حکم به حرمت هدف‌گیری مساجد در وضعیت صلح و جنگ است. وی بر این باور است که جهاد اگر همراه با بصیرت و شناخت احکام آن صورت نگیرد، سبب طغیان و فساد در زمین است و این در تناقض با هدفی است که سیره پیامبر (ص) از موضوع جهاد دنبال می‌کند (مطیری، ۲۰۱۵، ۳)

پ) مبانی اندیشه‌های سیاسی حاکم

مبانی اندیشه‌های سیاسی حاکم مطیری، چنان که پیش‌تر نیز گذشت، عمدتاً ریشه در قرآن، سنت نبوی و سیره خلفای راشدین دارد. مراجعه به آثار حاکم نشان می‌دهد وی برای سیاست، اصالت خاصی قائل است. تا آن جا که معتقد است بسیاری از تحولات جوامع انسانی، نتیجه تحولات سیاسی بوده و صرفاً امت‌ها منشأ تغییر حکومت‌ها هستند، او برای اثبات این ادعا به آیاتی از قرآن که بیانگر سنت‌های اجتماعی یادشده است استناد می‌کند (نک: مطیری، ۲۰۰۷، ۱۴-۱۳ با استناد به آیات رعد/ ۱۱، طه/ ۷۹، هود/ ۹۷، فاطر/ ۴۳). هم‌چنین برای اثبات ضرورت ایجاد دولت به خاطر تحقق دین و احکام شرع از جمله نماز، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... نیز اصل آزادی انسان که معتقد است به روشن‌ترین شکل آن در عصر پیامبر (ص) و خلفای راشدین وجود داشته به آیات متعددی از قرآن استناد کرده است (نک: مطیری، ۲۰۰۳، ۷، ۴۵، آیات نور/ ۵۵، حج/ ۴۱، بقره/ ۲۵۶). روایات مورد استناد وی در این موضوع نیز در ادامه ذکر شده‌اند و در نهایت با استناد به روایات نتیجه می‌گیرد که اصل آزادی سیاسی فردی و اجتماعی به واضح‌ترین شکل آن و بدون هیچ ترسی در عصر خلفای راشدین وجود داشته است.

وی هم‌چنین با استناد به برخی روایات نظیر «يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجَالٌ يَخْتَلُونَ الدُّنْيَا بِالْأَدِينِ وَ يَلْبَسُونَ لِلنَّاسِ جُلُودَ الضَّالِّينَ مِنَ اللَّيْنِ، أَلْسِنَتَهُمْ أَهْلَى مِنَ السَّكْرِ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الذُّنَّابِ» (ترمذی، ۱۹۹۶م، حدیث ۲۴۰۴؛ مطیری، ۲۰۰۷، ۲۲ با اندکی تغییر در متن حدیث) چهره ظالمانه و مستبدانه‌ای را برای آن دسته از دولتمردان اسلامی که دین را دستمایه ظلم و جور خویش قرار داده و دین و دنیای مردم را فاسد کرده‌اند، به تصویر می‌کشد و این سنخ روایات را بر ایشان تطبیق می‌دهد و معتقد است عصر خلفای راشدین، بر خلاف دوره پیامبر، تجلی ظهور مبادی گفتمان سیاسی اسلام به واضح‌ترین شکل آن بوده است. او به منظور مشروعیت‌بخشی به حکومت خلفا و

لزوم پیروی از سنت ایشان، به احادیثی از پیامبر استناد می‌کند و بر این باور است که تأکید پیامبر بر لزوم اتباع از سنت خلفا به موازات سنت خویش، نشان از اهمیت سنت‌های سیاسی اسلام و مسئله جانشینی دارد و گرنه پیامبر به جای لفظ خلفاء، از واژگان علما یا فقها استفاده می‌کرد. مهم‌ترین حدیثی که در این بخش‌ها بسیار بر آن تأکید دارد و پایه‌های فکری خود را بر آن مستحکم کرده، روایت «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ السَّمْعِ وَ الطَّاعَةِ، وَ إِنْ عَبْدًا حَبَشِيًّا، فَإِنَّهُ مِنْ يَعْشَ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسَبِّرِي اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمُهَدِّينَ الرَّاشِدِينَ، تَمَسَّكُوا بِهَا وَ عَضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ مُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَ كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» است که آن را صحیح خوانده و بر این باور است که تعداد این گونه احادیث کم نیست و نشان از اهمیت فوق العاده سنت جانشینی در میان سایر سنت‌های خلفای راشدین دارد (ابوداود سجستانی، ۱۴۲۰ق، حدیث ۴۶۰۷؛ ترمذی، ۱۹۹۶م، حدیث ۲۶۷۸؛ مطیری، ۲۰۰۷م، ۲۳-۲۴). وی هم‌چنین قائل به شورایی بودن خلافت خلفاء چهارگانه و اصالت داشتن رأی امت، نزد ایشان، البته، به اقتضای شریعت است و تصریح می‌کند که برخی از مستشرقان منصف نیز به این مسئله اشاره کرده و آن را پذیرفته‌اند (مطیری، ۲۰۰۷م، ۲۷). او هم‌چنین برای نشان دادن ضرورت ایجاد دولت اسلامی، علاوه بر استناد به آیات قرآن که پیش‌تر گذشت، به روایات متعددی استناد می‌کند و معتقد است چنانچه احادیث یادشده به وجه صحیح حمل شوند، دلالت بر بزرگی، جاه و افتخار دولت اسلامی دارد، هر چند اگر کسی حکمت آن را گشودن درهای خیر و اصلاح و اقامه قسط و عدل میان مردم بداند نیز ماجور است (مطیری، ۲۰۰۳م، ۸-۹). حاکم در موضوع تاریخ امت نیز به روایات متعددی استناد می‌کند و معتقد است عمده بررسی‌های تاریخی و اجتماعی در این خصوص از جهت استناد به روایات جعلی و گزارش‌های موهوم تاریخی، دارای ضعف است و صاحبان آن‌ها نتوانسته‌اند صحیح و سقیم روایات را بر مبنای علم اصول حدیث و مبانی ائمه نقد تشخیص دهند و به همین دلیل به نتایج متضادی در این زمینه دست یافته‌اند (مطیری، ۲۰۰۷م، ۳۶). او هم‌چنین با استناد به روایاتی چون «لَا طَاعَةَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ بِالْمَعْرُوفِ» (بخاری، ۱۴۲۳ق، ۷۱۴۵)، «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (مسلم، ۱۹۹۸م، ۱۸۴۰) و سایر روایات، انحصار طاعت به خداوند و لزوم تبعیت از پیامبر (ص) را اثبات می‌کند (مطیری، ۲۰۰۳م، ۴۵).

اثرپذیری وی از خلفای راشدین هم‌چون یک مبنا در آثار وی تا بدان جاست که صفحات آغازین

کتاب *تحریر الانسان و تجرید الطغیان* خود را مزین به این جمله منسوب به عمر بن خطاب کرده است تا عدالت وی را در زمان خلافتش نشان دهد: «مَنْدُ مَتَى اسْتَبَدَّتُمُ النَّاسَ وَ قَدْ وَاكَّدَتَهُمْ أَمَهَاتِهِمْ أحراراً». وی در موضوع عقد بیعت و شروط لازم آن، به سیره خلفا استناد کرده و بر این اساس معتقد است عقد بیعت بدون رضایت امت و انتخاب ایشان صحیح نیست و صحابه همگی در این نظر متفق اند، اتفاق نظر یادشده غالباً با تعبیر «أَجْمَعَ الصَّحَابَةَ عَلَى هَذَا الْأَصْلِ وَ لَمْ يُنْكَرِ أَحَدٌ مِنْهُمْ» آمده (مطیری، ۲۰۰۳، ۲۷، ۳۲) تا تصریح کند که صحت بیعت، وابسته به رضایت امت و انتخاب ایشان بدون هیچ اکراه و اجباری است. در ادامه برای تأیید این مطلب به سخن ابوبکر خطاب به صحابه «أَتَرْضُونَ بَعْدَ أَنْ اسْتَخْلَفْتُ عَلَيْكُمْ؟ فَإِنِّي وَاللَّهِ مَا أَلَوْتُ مِنْ جُهْدِ الرَّأْيِ، وَلَا وَكَيْتُ ذَا قَرَابَةٍ، وَإِنِّي قَدْ اسْتَخْلَفْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا. قَالُوا: سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا» (طبری، ۱۹۶۷، ۳ / ۴۲۸) و نیز به روایت دیگری با این مضمون استناد می‌کند: «أَتَبَايَعُونَ لِمَنْ فِي هَذَا الْكِتَابِ؟ فَقَالُوا: نَعَمْ. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: قَدْ عَلِمْنَا بِهِ. فَأَقْرَأُوا بِذَلِكَ جَمِيعًا، وَرَضُوا بِهِ، وَبَايَعُوا» (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱۰ / ۸۹؛ مطیری، ۲۰۰۳، ۲۳).

وی برای فهم صحابه، به این دلیل که خود *قرآن* و پیامبر (ص)، راهنمای مسیر ایشان بوده‌اند و نه شارحان و مفسران بعدی، ارزش خاصی قائل است (مطیری، ۲۰۰۳، ۵) و جالب آن که در میان صحابه مورد اشاره وی، نام امام علی (ع) و امام حسن (ع) نیز به چشم می‌خورد: «وَقَدْ قَالَ عَلِيٌّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - لِلصَّحَابَةِ بَعْدَ قَتْلِ عَثْمَانَ: «إِنَّ بَيْعَتِي لَا تَكُونُ إِلَّا عَنِ رِضَا الْمُسْلِمِينَ» (طبری، ۱۹۶۷، ۴ / ۴۲۷؛ مطیری، ۲۰۰۳، ۳۳، ۴۳، ۸۹، ۹۳، ۱۸۵)، از امام علی (ع) با لفظ «الْخَلِيفَةُ الرَّاشِدُ» نیز یاد کرده است (مطیری، ۲۰۰۳، ۱۹). درباره امام حسن (ع) نیز آورده است: «وَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا -: يَجِبُ سَهْمُ الْمُؤَلُودِ إِذَا اسْتَهْلَّ صَارِحًا» (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۹ / ۴۳۹؛ مطیری، ۲۰۰۳، ۹۲).

حاکم ذیل بحث انحصار حاکمیت در خداوند و رسول و اطاعت مطلق از ایشان، به این نکته اشاره می‌کند که حاکم اسلامی در صورت مخالفت با حکم خدا و پیامبر (ص)، قدرت و صلاحیت خود را از دست خواهد داد و معتقد است خلفای صالح اسلامی و مسلمانان، هر دو، متوجه این اصل مهم بوده‌اند، سپس برای تأیید این نکته به سیره خلفا استناد می‌کند: «فَقَدْ قَالَ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ فِي أَوَّلِ خُطْبَةٍ لَهُ بَعْدَ الْبَيْعَةِ: (أَطِيعُونِي مَا أَطَعْتُ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ، فَإِنَّ عَصِيئَتُهُمَا فَلَا طَاعَةَ لِي عَلَيْكُمْ)»

(ابن هشام، بی تا، ۲ / ۶۶۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ۵ / ۲۴۸؛ طبری، ۱۹۶۷م، ۳ / ۲۱۰؛ بلاذری، ۱۹۸۸م، ۵ / ۱۴۹؛ مطیری، ۲۰۰۳م، ۶۹، ۹۱، ۱۱۲).

ت) آثار حدیثی مطیری

چنان که گذشت، موضوعات حدیثی و سیاسی در آثار حاکم در هم تنیده است و می توان ادعا کرد وی عمده مباحث سیاسی خود را مبتنی بر روایات نوشته؛ لذا برای فهم رویکرد حدیثی او لازمست به تمامی آثارش مراجعه شود؛ کتابهای او با رویکرد سیاسی به طور عام و کتابهای حدیثی به طور خاص؛ برای نمونه عمده منابع مورد استفاده وی در کتاب *الحریه* که از دسته نخست به شمار می رود، عبارت است از *الطبقات* ابن سعد، *تاریخ طبری*، *البدایه و النهایه* ابن کثیر و *المصنف* ابن ابی شیبه (مطیری، ۲۰۰۳م، ۵) که همگی در شمار آثار تاریخی - حدیثی به شمار می آید. از میان آثار وی کتابهایی که به طور خاص به موضوعات حدیثی اختصاص دارد عبارتند از: *الاختلاف علی الراوی وأثره علی الروایات و الرواة مع دراسة تطبیقیه* که در سه جلد به علل الحدیث پرداخته، *تاریخ تدوین السنة النبویه و شبهات المستشرقین*، *روائع المتنون و بدائع الفنون* که یکی از بخشهای آن به معرفی مصطلح الحدیث در قالب نظم، اختصاص یافته، *إتحاف الثقاف بأسانید الأثبات، تحية الأبرار فی آداب السلام علی المصطفی المختار بروایة آل بیته الأطهار و صحابته الأخیار و هم چنین جوامع الهدی النبوی* که در آن روایات صحیح پیامبر (ص) را در موضوعات توحید، ارکان ایمان، حقیقت احسان، اصول شرائع و احکام و... گرد آورده است. مباحثات و گفتگوهای حدیثی وی نیز عمدتاً با رویکرد نقد حدیثی است، عناوین برخی از این گفتگوها عبارت است از: *الإسعاد فی نقد أحادیث الخضاب بالسواد*، *ابن جریر الطبری و منهجه فی نقد الآثار*، *أثر فیه نظر دراسة نقدیه حدیثیه تفسیریة لحدیث إن یأجوج یفرون السد*، *دراسة نقدیه حدیثیه لحدیث الرعد ملک*، *دراسة نقدیه حدیثیه لحدیث الجساسة و بیان ما فیه من العلل فی الإسناد و المتن*، *حدیث الافتراق (تفرق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة) بین القبول و الرد*، *دراسة حدیثیه و فقهیه عن الأحادیث الواردة فی الروایات الستة*. حوزه پژوهشی مغازی و سیره نیز مورد توجه او بوده است. عناوین برخی از کتابهای او در این زمینه از این قرار است: *مغازی عروة دراسة و تحلیل*، *منهج أئمة الأثر فی الاحتجاج بالمغازی و السیر، المغازی و السیر علماوها و طبقاتهم و...*

۲. رویکرد حدیثی حاکم مطیری

در مجموع می‌توان رویکرد حدیثی حاکم را با توجه به آثار یادشده در چند محور به شرح زیر تبیین کرد.

الف) ملاک‌گزینش احادیث

چنان که پیش‌تر گذشت، مبنای بسیاری از آراء و فرضیه‌های سیاسی حاکم، روایت است و آگاهی از این موضوع که نوع رویکرد مطیری نسبت به متن و سند روایات چگونه است ضرورت دارد. نگارش کتاب *إتحاف الثقات بأسانید الأثبات* به روشنی بیانگر اهتمام مطیری و دغدغه او در خصوص سند است. وی در مقدمه، احتمالاً در تقابل با نگرش مستشرقان (برای آگاهی از مناقشه مستشرقان دربارهٔ اسناد، نک: غلامعلی، ۱۳۹۵ش، ۴۰-۴۲؛ هورویتس، ۱۳۸۷ش، سرتاسر اثر)، اذعان دارد که اسناد از مختصات امت اسلام است و روایت مشهور پیامبر (ص) «نَضَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها وَ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَبْلُغْهُ، رَبُّ حَامِلٍ فَفَهَّ إِلَى غَيْرِ فَفِيهِ، وَ رَبُّ حَامِلٍ فَفَهَّ إِلَيَّ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ» (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ۲/۶۵۴؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲/۳۳۶؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۲۰ق، حدیث ۳۶۶۰) به روشنی گویای آنست (مطیری، ۱۴۳۷ق، ۳). این مسئله تنها نوع نگاه مطیری به اصل بحث اسناد را نشان می‌دهد؛ اما وی در خصوص ملاک‌گزینش روایات، در دو کتاب سیاسی اش یعنی *الحرية أو الطوفان* و *تحرير الانسان* به‌طور تفصیلی و در سایر کتاب‌های خود به اجمال بحث نموده است.

حاکم در جای جای آثار خود ادعا می‌کند که همواره مقید به ذکر احادیث صحیح و اخبار و روایات مقبول است (مطیری، ۱۴۳۶ق، ۴-۵) و چنان‌چه سند روایتی نیاز به بررسی داشته، با وجود دشواری و مشقت بررسی‌های سندی، آن را به کار بسته تا از ذکر روایات جعلی پرهیز شود و تنها به آن دسته از روایات تاریخی استناد می‌کند که میان مورخان از صحت یا شهرت برخوردارند؛ چرا که شیوهٔ متداول میان مورخان متفاوت از روایی است که محدثین دارند (مطیری، ۲۰۰۳م، ۴). او معتقد است روایات حدیثی و تاریخی صحیح و مقبول — چه فی ذاته، چه همراه با شواهد — قابل احتجاج‌اند؛ ولی روایات مخالف، شاذ و منکر را باید وانهاد. بنا به ادعای وی بیش‌تر روایاتی که به آن‌ها استناد کرده، یا تواتر قطعی دارند یا شهرت تاریخی و لذا از بررسی سندی بی‌نیازند، با

این همه در بررسی روایات، مطابق اصول علم حدیث و علم تاریخ عمل کرده است. درباره منابع روایات نیز معتقد است همه منابع مورد مراجعه خود را ذکر نکرده و غالباً به روایات صحیحین، اکتفا کرده؛ مگر در مواردی که حدیث، نیازمند تتبع بیشتر و ذکر منابع متعدد بوده است. با توجه به ملاک یادشده به نظر می‌رسد در گزینش روایات از منابع متعدد که دارای چند سند بوده‌اند نیز، روایتی را برگزیده که سند آن مطابق با سند صحیحین باشد، عبارتی چون «و رواه ابن شهبه بإسناد علی شرط البخاری» این مطلب را تأیید می‌کند (مطیری، ۲۰۰۳م، ۳۹). در مجموع در حاشیه هر بحث، نتیجه نهایی در خصوص حکم روایت را ذکر کرده است. بنا به گفته وی، در استناد به روایات تنها به این دو ملاک توجه داشته ۱- امانت در علم و ۲- حقیقت تاریخی مظلوم؛ چرا که خداوند از اهل علم خواسته تا حقیقت را کتمان نکرده و آن را برای مردم تبیین کنند (مطیری، ۲۰۰۷م، ۳۶).

هم‌چون ارزیابی ملاک‌های یادشده باید گفت در جای جای آثار حاکم روایاتی را می‌بینیم که آن‌ها را با اصطلاح «صحیح» معرفی کرد. برای نمونه، در موضوع انتظار امت‌ها برای رهایی به دست پیامبر اُمی، به روایت «إِذَا هَلَكَ قَيْصَرٌ فَلَا قَيْصَرَ بَعْدَهُ، وَ إِذْ هَلَكَ كَسْرَى فَلَا كَسْرَى بَعْدَهُ، وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَنْفُقَنَّ كَنُوزُهُمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مسلم، ۱۹۹۸م، حدیث ۲۹۱۸؛ ابن‌خلدون، ۱۹۸۸م، ۴۰۶/۱) استناد کرده و آن را «صحیح» خوانده و معتقد است این حدیث به اتمام عصر ظالمان و جباریه و سقوط امپراتوری ایشان به دست پیامبر و امت او و آغاز دوران جدیدی که امت‌ها با وجود اختلاف ادیان و فرق زیر سایه دولت عدل با یکدیگر زندگی می‌کنند و کسی بر کسی برتری ندارد بشارت داده است (مطیری، ۲۰۰۷م، ۵۴-۵۵، سایر موارد استفاده از اصطلاح «صحیح» را بنگرید همان، ۶۰، ۷۳). با این همه در لابلای احادیث، موارد بسیار زیادی نیز قابل مشاهده است که این اصطلاح در مورد آن‌ها به کار نرفته و تنها به عبارت «وَفِي رِوَايَةٍ» اکتفا شده است (نک: مطیری، ۲۰۰۳م، ۵۷، ۵۸، ۸۲، ۹۷، ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۱۷؛ مطیری، ۲۰۰۷م، ۷۳). در برخی موارد نیز ویژگی «صحیح»، به سند حدیث تعلق گرفته و با عبارتهایی چون «إِسْنَادٌ صَحِيحٌ» به صحت سند اشاره کرده است (مطیری، ۲۰۰۳م، ۳۱). گاهی نیز هم‌چون استدراک نظر پیشینیان به رأی خود درباره سند اشاره می‌کند؛ مثلاً، می‌گوید: «وَ قَدْ رَوَى أَحْمَدُ هَذَا الْحَدِيثَ فِي مُسْنَدِهِ بِالْفِطْرِ: مَتْنٌ حَدِيثٌ، هَذَا مَعَ أَنَّ الْحَدِيثَ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَ لَا عَلَّةَ لَهُ» (مطیری، ۲۰۰۳م، ۲۰۰-۲۰۱). با این همه

در موارد متعدد دیگر، به صحت سند یا عدم آن هیچ اشاره‌ای ندارد و تنها به ذکر یک واسطه از طریق، اکتفا می‌کند؛ هم چون این نمونه: وَرَوَاهَا ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ بِإِسْنَادٍ مِنْ طَرِيقِ الزُّهْرِيِّ - كَمَا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ - وَفِي آخِرِهَا: لَا بَيْعَةَ لَهُ وَلَا لِمَنْ بَايَعَهُ... وَرِضَاهُمْ؛ لِكُونِهَا حَقًّا مِنْ حُقُوقِهِمْ يُحْرَمُ اغْتِصَابُهُ (مطیری، ۲۰۰۳م، ۳۲). اسانید با ویژگی‌های دیگری چون «جید» نیز توصیف شده‌اند؛ برای نمونه به هنگام استناد به روایت موسی بن عقبه در این که در مسئله امامت، رضایت بدون شورا حاصل نمی‌شود، از تعبیر «إِسْنَادٌ جَيِّدٌ» استفاده می‌کند (مطیری، ۲۰۰۳م، ۲۹). گاهی نیز وضعیت سند حدیث را در پاورقی و نه در متن مشخص می‌سازد؛ برای نمونه پس از نقل حدیث «سَبَلِي أُمُورِكُمْ مِنْ بَعْدِي رِجَالٌ يَعْرِفُونَكُمْ مَا تُنْكِرُونَ وَ يَنْكِرُونَكُمْ مَا تَعْرِفُونَ فَلَا طَاعَةَ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ تَعَالَى فَلَا تَعْتَلُوا بِرَبِّكُمْ عَزَّوَجَلَّ» (اریلی، ۱۳۸۱ش، ۱/ ۲۶۳) به مستدرک حاکم نیشابوری ارجاع می‌دهد و می‌نویسد: مِنْ طُرُقٍ مُخْتَصَرًا وَ صَحَّحَهُ.

در نقض ملاک‌های یاد شده و علی‌رغم مدعای حاکم مبنی بر عدم تحمیل مطالب بر متن (ادعا را بنگرید در مطیری، ۲۰۰۳م، ۴)، برخی معتقد اند رویکرد سیاسی حاکم هم چون یک مؤلفه تأثیرگذار بر رویکرد حدیثی او عمل کرده است؛ برای نمونه ناصر الحزیمی در سایت عکاظ^۱ در نوشتاری با عنوان «حاکم المطیری و إخضاع السنة النبوية للسياسة»، پس از مطالعه و بررسی برخی از کتاب‌های او از جمله *الحرية أو الطوفان، الأربعون المتواترة في فضائل إسطنبول الفاخرة و روائع المتون و بدائع الفنون* و... این نظر را بیان می‌دارد که حاکم برای نیل به اهداف سیاسی خود برخی اصطلاحات حدیثی و حقایق سنت را تغییر می‌دهد و طرفداران او می‌توانند با مطالعه یک یا دو عنوان کتاب از کتاب‌هایش به این نتیجه برسند که وی چگونه افکار را به سمت ایده‌های خود سوق می‌دهد و این در سایر کتاب‌هایش نیز به وفور دیده می‌شود. وی با استناد به فقراتی از کتاب *الأربعون المتواترة* نشان می‌دهد که چگونه حاکم روایات ظنی‌الدلالة و ظنی‌الثبوت را هم چون روایات متواتر قطعی معرفی می‌کند؛ برای نمونه وی به اخبار بشارت به فتح قسطنطنیه (إسطنبول) و فضل فاتح و پیروان آن اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که حاکم برای اثبات

تواتر قطعی این روایات، معنای حدیث متواتر را تغییر داده و مفاهیم را با یکدیگر تلفیق کرده و سپس معنای تغییر یافته را کاملاً شناخته شده و مشهور در میان صحابه و متأخرین از ایشان معرفی کرده است. وی هم‌چنین در بخش مصطلح الحدیث *روائع المتون*، تعریف یاد شده را یک تعریف مشترک و رایج در میان متخصصان علم حدیث تلقی می‌کند. حزیمی دلیل این کار را بازی‌های سیاسی حاکم بر روابط مطیری و دولت ترکیه می‌داند که مطیری سعی دارد با گرداندن متن به نفع امپراتوری عثمانی، به نوعی از اردوغان تعریف کند.

ب) توجه به تفسیر اثری

ابتدا به این نکته توجه دهیم که استفاده از تعبیر «تفسیر ماثور» در این جا از سر تسامح است. چنان‌چه روایات تفسیری را روایاتی بدانیم که حاوی تعبیری از خود آیه هستند، شاید نتوان روایات ذیل آیات را در این کتاب تفسیر ماثور خواند؛ اما از آن رو که به نوعی مبین و تفسیرگر آیات هستند، مسامحتاً آن را «تفسیر ماثور» نامیده ایم. با توجه به رویکرد سلفی حاکم، استناد به سخنان پیامبر (ص) و خلفاء چهارگانه نمود برجسته‌ای در آثار وی دارد. یادکرد از روایت مشهور «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي، تَمَسَّكُوا بِهَا وَ عَصُوا عَلَيْهَا بِالتَّوَجُّدِ وَ إِيَاكُمْ وَ مُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَ كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» (ابوداود سجستانی، ۱۴۲۰ق، ح ۴۶۰۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۳۰/۴۰۸) در صفحات آغازین کتاب *الاصول الشرعية*، نمود روشنی بر این سخن است (مطیری، ۲۰۱۳م - الف، ۵)؛ روایتی مشکوک و متأخر از زمان ادعایی خود (نک: فقهی زاده و شفیعی، ۱۳۹۴ش، سرتاسر اثر) که بنا به گفته برخی از شیعیان ساختگی بوده و جمهور اهل سنت نیز بر این باورند و به همین دلیل بخاری و مسلم از آن اعراض نموده‌اند (حسینی میلانی، بی‌تا، ۲/۳۱۱).

وی در همین کتاب در قالب چهار فصل و چهل باب، به تبیین احکام سیاسی اسلام بر مبنای آیات قرآن و روایات مرتبط با آن پرداخته است. تعداد این روایات به ادعای خود مؤلف ۱۸۰ روایت صحیح است. وی در ابتدای هر باب، آیات متناسب با موضوع باب را ذکر کرده و در ادامه با استناد به روایاتی از پیامبر (ص) یا صحابه که عمدتاً نیز نبوی هستند، آن‌ها را تقویت یا تبیین می‌کند. در انتهای هر حدیث، منبع آن را مشخص کرده و به درستی و صحت متن یا سند آن با تعبیری چون «رواه البخاری... ابوداود و النسائی و صححه ابن حبان» و یا «رواه ابوداود و أحمد»

بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ» اشاره دارد (مطیری، ۲۰۱۳م - الف، ۹). مطیری در کتاب *جوامع الهدی النبوی* نیز دقیقاً همین شیوه را پی گرفته و روایات پیامبر (ص) را با قالب‌بندی «المجلس الأول» تا «المجلس الثلاثون» بعد از ذکر آیات مرتبط با آن ذکر می‌کند، با این تفاوت که پس از ذکر آیات و روایات موید آن، به شرح آن مجلس نیز اتمام دارد (مطیری، ۱۴۳۶ق، سرتاسر کتاب).

پ) توجه به مصطلح الحدیث منظوم

حاکم مطیری در تالیفات خود به اصطلاحات حدیثی نیز توجه نشان داده است. وی در کتاب *روائع المتون* خود، به بررسی موضوعات پنج فن از جمله فرائض، اصول فقه، قواعد فقهی کتاب الوجیز برنوی، نحو و مصطلح الحدیث در قالب نظم (شعر) پرداخته است (مطیری، ۲۰۰۴م، ۵). بخش مربوط به «مصطلح الحدیث» با تعبیر «العذب القراح فی علم الاصطلاح» آغاز می‌شود. در این بخش دست به گزینش زده و به مهم‌ترین اصطلاحات حدیثی از جمله انواع حدیث از حیث ورود و ثبوت (متواتر، آحاد)، قبول یا ردّ (مقبول، مردود)، انتساب به گوینده (حدیث قدسی، مرفوع، موقوف و...) و نیز اصطلاحات مربوط به تحمل حدیث، الفاظ جرح و تعدیل و مراتب آن اشاره کرده است.

ت) توجه به سنن النبی مأثور

یکی از تالیفات بسیار جالب حاکم مطیری که با رویکرد حدیثی - سیاسی نوشته شده، کتاب *جزء حدیثی فی السنن النبویه* اوست. وی در صفحات آغازین کتاب تصریح می‌کند که آن را به شیوه اهل حدیث نوشته و واقعیت نیز چنین است؛ چرا که اصول امامت و سیاست گزیده شده از سیره پیامبر (ص) و خلفای راشدین در این کتاب، تماماً برگرفته از احادیث است و مخاطب، مطلبی به غیر از حدیث در این کتاب مشاهده نمی‌کند. در این جا نیز مؤلف ادعا می‌کند به جز روایات صحیح یا حسن لذاته به روایت دیگری استناد نکرده و در این مسیر، طریق اهل حدیث را پیموده و هم‌چنین در استناد به روایات تاریخی، طریق اهل سیر و مغازی را دنبال کرده و در مجموع به مباحث محکم و منتشر، استناد نموده است (مطیری، ۱۴۳۳ق، ۲). وی هم‌چنین تأکید دارد که همه روایات را از مصادر حدیثی هم چون صحاح، سنن، مصنفات، مسانید، معاجم و... استخراج کرده و آن‌ها را از اثبات مشهور اساتیدش دریافت کرده، یا با آن‌ها تطبیق داده است. منظور از اثبات در این جا، عناوین نوشته جات و کتاب‌های مشهور اساتید است که به همراه طرق نقل آن‌ها، توسط

مؤلف ذکر شده است. وی بیست صفحه از کتاب خود را به معرفی این کتاب‌ها و طرق آن‌ها اختصاص داده است (مطیری، ۱۴۳۳ق، ۴۰). مطیری در کتاب دیگرش با عنوان *إتحاف الثقات بأسانید الأئمة* به ۷۱ ثبت اشاره کرده و اسانید خود به نوشته‌های مذکور را با ذکر جزئیات مربوط به طرق تحمل حدیث یادآور شده است (مطیری، ۱۴۳۷ق، ۵-۷۳). به انتهای کتاب نیز تصویر نصوص اجازات اسانید خود به دست خط ایشان را پیوست کرده است (مطیری، ۱۴۳۷ق، ۸۶-۱۲۳).

ساختار کتاب جزء حدیثی *فی السنن النبویه* همانند *الاصول الشرعیة*، متشکل از ۱۰۴ باب است. او هر باب را عنوان‌گذاری می‌کند و ضمن هر عنوان به حکم ناظر به آن موضوع نیز اشاره دارد. سپس در ادامه، به ذکر مویدات موضوع یادشده با استناد به آیات و روایات می‌پردازد. با مشاهده چند نمونه از عناوین باب‌ها، می‌توان اشاره به احکام یادشده را ضمن عناوین دریافت: «باب فی وجوب لزوم سنن الخلفاء الراشدين الاربعة فی باب الإمامة»، «باب فی أن الخلافة هی النظام السياسي الاسلامی و إبطال ما عداها من صور الملک»، «باب بیعة الخلفاء الاربعة و أنها کلها عن شوری و رضا» (مطیری، ۱۴۳۳ق، ۴۰، ۴۴، ۵۵).

۳. رویارویی مطیری با مستشرقان

کتاب *تاریخ تدوین السنه و شبهات المستشرقین* در اصل بخشی از رساله دکتری حاکم بوده که در دانشگاه بیرمنگهام انگلیس از آن دفاع نموده است. نام کامل رساله *إحکام الذریعة الی أحكام الشریعة للحافظ السمری الحنبلی مع دراسة لمراحل تدوین السنة و مناقشة آراء المستشرقین حولها* است.

الف) انگیزه تألیف اثر

وی در مقدمه کتاب، انگیزه خود از تألیف آن را تبیین جوانب مهم و غامض پدیده استشراق در موضوع تدوین سنت معرفی می‌کند (آگاهی از آراء مستشرقان در این زمینه، نک: موتسکی، ۱۳۸۹ش، مقدمه کتاب؛ موتسکی، ۱۳۸۴ش، ۴-۱۵؛ پارسا، ۱۳۸۷ش، ۳۲-۴۱) و معتقد است هنوز پژوهش‌های آکادمیک زیادی در این حوزه تألیف نشده و لازمست به این امر بیش‌تر پرداخته شود. وی فصل نخست کتاب با عنوان «سنت و مراحل تدوین آن» را با ذکر این نکته که میان تدوین،

تالیف، تصنیف و هم‌چنین کتابت تفاوت است آغاز می‌کند تا نشان دهد پدیده کتابت حدیث، یک پدیده تدریجی بوده و از جزءهای حدیثی مختصر آغاز و به تدوین رساله‌های مستقل و جامع ختم گشته و لذا بین این اصطلاحات هیچ تعارضی وجود ندارد. در مجموع آن چه اهمیت دارد اصل پدیده نگارش است که از همان ابتدا صورت گرفته و منعی نسبت به آن وجود نداشته است. پیش‌تر فواد سزگین نیز در واکنش به اشکالات مستشرقان در خصوص تدوین دیر هنگام سنت، مشابه همین مطلب را بیان کرده بود، وی معتقد است تدوین کتاب‌های حدیثی طی سه مرحله صورت گرفته است؛ کتابة الحدیث، تدوین الحدیث و تصنیف الحدیث (پارسا، ۱۳۸۸ش، ۶۰-۶۱).

ب) توجه به فرهنگ عصر صدور حدیث

مؤلف در ادامه به شرایط فرهنگی - اجتماعی عصر پیامبر (ص) به تفصیل اشاره می‌کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که برای فهم ابعاد مختلف پدیده تدوین سنت به طور صحیح، ناگزیریم به شرایط عینی جامعه عرب آن روز توجه کنیم؛ شرایطی چون اُمی بودن، نقل شفاهی، کاریزماتیک بودن شخصیت پیامبر و نفوذ کلام وی بر دیگران که به سرعت سبب انتشار سخنان ایشان شد، تأثیرپذیری صحابه از ایشان و اقتدا به سنت پیامبر (ص) و... که همه این موارد در کنار یکدیگر در حفظ سنت پیامبر (ص) تأثیر بسزایی داشته و موجب شده تا اواخر سده دوم هجری، تدوین کاملی از سنت صورت بگیرد (مطیری، ۲۰۰۲م، ۳۴). در ادامه مراحل چهارگانه تدوین سنت شامل کتابت، جمع و تدوین، تصنیف و هم‌چنین ظهور موسوعات حدیثی را به تفصیل ذکر می‌کند.

مطیری در فصل دوم کتاب در بخش «آراء المستشرقین حول تدوین السنة و مناقشتها»، به بررسی و نقد مناقشات خاورشناسانی چون مویر، گلدتسیهر، شاخ و رابسون در خصوص تدوین سنت می‌پردازد؛ برای نمونه در خصوص این دیدگاه مویر که «هیچ نسخه قابل اعتماد مکتوبی از سنت پیامبر (ص) پیش از نیمه اول سده دوم هجری یافت نشده» معتقد است اولاً نمی‌توان به طور قطعی حکم داد هیچ نسخه مکتوبی از سده اول یا نیمه اول سده دوم باقی نمانده؛ زیرا هنوز بسیاری از نسخه‌های مکتوب کتابخانه‌های دنیا در کشورهای اسلامی یا غیراسلامی به مرحله احیا، چاپ و تصحیح نرسیده‌اند و زمانی می‌توان ادعای مویر را صحیح دانست که تمام نسخه‌های مکتوب دنیا بررسی شده باشند. چه بسا کتابی تا مدتی پیش مفقود بوده و امروز عرضه شود مانند کتاب جامع معمر بن راشد یا مصنف صنعانی یا مسند اسحاق بن راهویه. به همین ترتیب ممکن

است تا ۱۰ یا ۲۰ سال دیگر نوشته‌هایی پیدا چاپ و تصحیح شود که امروز به ظاهر مفقود و نایاب اند.

نکته دوم این که فرض کنید همه کتاب‌خانه‌ها بررسی شدند و حتی یک نوشته حدیثی متعلق به سده یک یافت نشد، آیا این دلیل بر این است که در گذشته‌های تاریخی نیز در بین مسلمانان نسخه یا نسخه‌هایی وجود نداشته است؟ آیا «نیافتن دلیل نبودن است؟» می‌توان احتمال داد در حوادثی که برای برخی کتاب‌خانه‌های جوامع اسلامی رخ داده نسخه‌های مکتوبی از احادیث وجود داشته که دچار حادثه شده و از بین رفته باشند یا پس از انتقال نسخه‌های اولیه حدیثی به کتاب‌های جامع نسل‌های بعد، انگیزه دوباره نویسی آن‌ها در میان مسلمانان از بین رفته باشد؛ اما امروزه می‌توان با توجه به روش‌های علمی بر مبنای کتاب‌های تراجم و فهرست‌نگاری اطلاعات زیادی دربارهٔ چنین کتاب‌هایی به دست آورد (مطیری، ۲۰۰۲م، ۱۱۲-۱۱۳؛ معارف و شفیعی، ۱۳۹۶ش، ۹۵). سوم آن که خود مؤلف اذعان دارد در همین کتاب به تعداد پرشماری از مؤلفان کتاب‌های حدیثی سده نخست اشاره شده که عالمان سده دوم و سوم اساساً از نوشته‌های ایشان برای تالیفات خود بهره برده‌اند. به همین منظور، مراجعه به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون اصالت بخشی به کتاب‌های حدیثی کهن عامهٔ مسلمانان از جمله مصنف صناعی و... که برخی از آن‌ها توسط خود مستشرقان نیز انجام شده است می‌تواند راهگشا باشد (موتسکی، ۱۳۸۵ش، سرتاسر اثر). حاکم در ادامه به مواردی چون تحریم نقل به معنا، سماع چندین بارهٔ احادیث از یک شیخ حدیثی، عدم پذیرش روایات شفاهی، عدم پذیرش مطالب مغایر با نسخهٔ اصلی حدیث و... اشاره می‌کند و برای هر یک شاهد مثال تاریخی می‌آورد تا نشان می‌دهد آثار یادشده کاملاً قابل اعتماد هستند و در یک بستر مطمئن به دست پسینیان رسیده است (مطیری، ۲۰۰۲م، ۱۱۳-۱۳۸).

پ) خاستگاه احادیث فقهی

از دیگر مناقشاتی که مطیری به طرح و نقد آن می‌پردازد، فقهی نبودن احادیث رایج در عصر اموی است. علت بیان این تردید از سوی خاورشناسان به این دلیل است که نشان دهند جوامع فقهی دوره‌های بعد ریشه در سنت نبوی ندارد و لذا از اصالت برخوردار نیست. وی شواهد متعدد می‌آورد تا اثبات کند بسیاری از صحابهٔ معاصر با حکومت اموی هم چون ابن‌عباس، عائشه، ابوهریره، جابر بن عبدالله، انس بن مالک و... به فقه اشتغال داشته‌اند و شاگردان ایشان احادیث

فقهی را حفظ و کتابت می‌کردند. وی همچنین به ادعای مستشرقان مبنی بر متأخر و ساختگی بودن اسانید روایات فقهی نیز اشاره و با شواهد تاریخی اثبات می‌کند که نمی‌توان این سندها را به راحتی ساخت و به افراد مشهور نسبت داد.

مطیری فصل سوم کتاب را به‌طور خاص به احادیث الاحکام و سیر تطور آن اختصاص داده تا به‌طور دقیق‌تر به مناقشه مستشرقان در خصوص عدم اصالت روایات فقهی پاسخ دهد.

نتیجه

حاکم مطیری از اندیشمندان نص‌گرای جهان عرب و در زمره افراطیون سلفی با شعار «نحو أمة واحدة و خلافة راشدة» است. میزان پای‌بندی او به رویکرد حدیثی‌اش و تأثیرپذیری از آن به حدی است که تک‌تک آراء و آراء حدیثی و سیاسی خود را با استناد به روایات بیان کرده و لذا حدیث جایگاه ویژه‌ای در آثار وی دارد. روش حدیثی او تا حدود زیادی منطبق با شیوه نص‌گرایان است، البته، به استثنای مواردی که از بررسی‌های سندی برای اعتبارسنجی حدیث استفاده کرده است که البته، در بسیاری از موارد، بررسی‌های سندی وی محدود به ارزیابی آخرین راوی یا ذکر آراء سایر رجالیان است و به تک‌تک راویان سند به هیچ‌رو توجه نداشته است. این هم کاملاً بدیهی و قابل پیش‌بینی است؛ چرا که استناد به حجم انبوهی از روایات، در عمل کار بررسی‌های سندی آن را به شدت با مشکل و محدودیت مواجه می‌کند. یادکرد از احادیث بلافاصله پس از آیات قرآن در عمده نوشته‌های حاکم می‌تواند بیانگر «تقدم حدیث بر قرآن در مقام رجوع» باشد که یکی از ویژگی‌های رویکرد نص‌گرایی است. استناد به روایات بسیار متعدد که با وجود ضعف محتوایی و ساختگی بودن برخی از آنها، صحیح، متواتر یا مشهور قلمداد شده‌اند و همچنین عدم تقید به نقل و اژه به اژه حدیث از منبع اصلی که احتمال نقل از حافظه بویژه درباره روایات مشهور را توسط وی تقویت می‌کند، نشانه دیگری از ویژگی نص‌گرایان یعنی «تساهل در نقل و پذیرش روایت» است. هر چند در موارد معدودی که برای یک حدیث به چندین منبع اشاره کرده، با عبارت «واللفظ له» تصریح می‌کند که لفظ حدیث دقیقاً متعلق به کدام یک است.

بیش‌ترین موضوعی که در حوزه تعامل با خاورشناسان، توجه حاکم را به خود معطوف ساخته اولاً مسئله اسناددهی توسط مسلمانان برای نخستین بار و درثانی کتابت و تدوین حدیث است که

کاملاً منطبق با دغدغه حفظ سنت توسط نص گرایان چه بلحاظ سندی و چه محتوایی است. وی از طریق ارائه شواهد تاریخی و همچنین پاسخ‌های حلی و نقضی، سعی دارد نادرستی مناقشات خاورشناسان در خصوص اصالت و اعتبار حدیث را نشان دهد.

منابع

- ۱- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۱۲ق)؛ *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، به کوشش محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۲- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۹۸۸م)؛ *تاریخ ابن خلدون*، به کوشش خلیل شحاته، بیروت، دارالفکر.
- ۳- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)؛ *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر.
- ۴- ابن هشام، عبد الملك (بی تا)؛ *السیرة النبویة*، به کوشش مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفه.
- ۵- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)؛ *السنن*، تصحیح جمعی از محققان، الرياض، بیت الافکار الدولیه.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ش)؛ *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی.
- ۶- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۳ق)؛ *الصحيح*، بیروت، دار ابن کثیر.
- ۷- بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق)؛ *أنساب الأشراف*، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
- ۸- _____ (۱۹۸۸م)؛ *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
- ۹- پارسا، فروغ (۱۳۸۷ ش)؛ «سنت‌های نقل حدیث در بررسی تطبیقی دیدگاه‌های خاورشناسان»، *مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۸۸.
- ۱۰- _____ (۱۳۸۸ش)؛ *حدیث در نگاه خاورشناسان؛ بررسی و تحلیل مطالعات حدیث‌شناختی هارالد موتسکی*، تهران، دانشگاه الزهرا (س).
- ۱۱- پایگاه اینترنتی رسمی حاکم عیسیان مطیری^۱.
- ۱۲- پایگاه اینترنتی عکاظ^۱.

- ١٣- پایگاه اینترنتی العربية^٢.
- ١٤- پایگاه اینترنتی الرياض^٣.
- ١٥- پایگاه اینترنتی بوابة الحركات الاسلامية^٤.
- ١٦- ترمذی، محمد بن عیسی (١٩٩٦م): السنن، به کوشش دکتر بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- ١٧- حاکم مطیری (٢٠٠٤م): روائع المتون و بدائع الفنون؛ نظم فی الفرائض و الأصول و القواعد و المصطلح و النحو، بیروت، دار البشائر الاسلامیه.
- ١٨- _____ (٢٠١٠م): أهل السنة و الجماعة الأصول الاعتقادية و المشكلات السياسية دراسة تحليلية و روية مستقبلية، بی جا، بی نا.
- ١٩- _____ (١٤٣٧ق): إتحاف الثقات بأسانید الأثبات، بی جا، بی نا.
- ٢٠- _____ (١٤٣٣ق): جزء حدیثی فی (السنن النبویه فی الأحكام السياسية) و معه (السنن الوارده فی السياسة الراشدة)، بی جا، بی نا.
- ٢١- _____ (١٤٣٦ق): جوامع الهدی النبوی؛ أمهات الأحادیث النبویه الصحيحة فی هدی النبی (ص) و جوامع کلمه و هدی، بی جا، بی نا.
- ٢٢- _____ (٢٠١٣م - الف): الأصول الشرعية فی الأحكام السياسية؛ جزء حدیثی مختصر للأدلة القرآنیة و النبویه فی السياسة الشرعية مرتبة علی الأبواب الفقهية، بی جا، بی نا.
- ٢٣- _____ (٢٠١٣م - ب): الإعلام بأحكام الجهاد و نوازله فی الشام، بی جا، بی نا.
- ٢٤- _____ (٢٠٠٣م): الحرية أو الطوفان؛ دراسة موضوعیه للخطاب

1. www.okaz.com
 2. www.alarabiya.net
 3. www.alriyadh.com
 4. www.arabo.com

- السیاسی الشرعی و مراحلہ التاریخیہ، بی جا، بی نا.
- ۲۵- _____ (۲۰۰۷م): تحریر الانسان و تجرید الطغیان؛ دراسة فی أصول الخطاب السیاسی القرآنی والنبوی والراشدی، بی جا، بی نا.
- ۲۶- _____ (۲۰۰۲م): تاریخ تدوین السنة و شبهات المستشرقین، کویت، لجنة التالیف و التعرید و النشر.
- ۲۷- _____ (۲۰۱۱م): عبید بلا اغلال؛ مختصر الحریة وأزمة الهوية فی الخلیج و الجزيرة العربیة، بی جا، بی نا.
- ۲۸- _____ (۲۰۱۵م): معذرة إلی ربکم و لعلهم یتقون؛ رسالة من الشیخ المطیری فی حرمة استهداف المساجد فی السلم و الحرب، بی جا، بی نا.
- ۲۹- _____ (۲۰۱۲م): نحو وعی سیاسی راشد، بی جا، بی نا.
- ۳۰- حسینیی میلانی، علی (بی تا)؛ نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار، قم، مرکز تحقیق و ترجمه و نشر آلاء.
- ۳۱- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق)؛ تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، به کوشش عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی.
- ۳۲- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷م)؛ تاریخ الأمم و الملوک، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- ۳۳- غلامعلی، مهدی (۱۳۹۵ش)؛ سندشناسی؛ رجال کاربردی با شیوه بررسی أسناد روایات، قم، دارالحدیث.
- ۳۴- فقهی زاده، عبدالهادی؛ شفیعی، سعید (۱۳۹۴ش)؛ «تاریخ گذاری حدیث علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدین (روش تاریخ گذاری سند - متن)»، حدیث پژوهی، سال هفتم، شماره ۱۴.
- ۳۵- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)؛ اصول الکافی، قم، دارالحدیث.
- ۳۶- مسلم بن حجاج (۱۹۹۸م)؛ الصحیح، ریاض، بیت الافکار الدولیة للنشر والتوزیع.
- ۳۷- معارف، مجید؛ شفیعی، سعید (۱۳۹۶ش)، درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، تهران، سمت.

- ۳۸- موتسکی، هارالد (۱۳۸۴ش)؛ «حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»، *علوم حدیث*، شماره ۳۷-۳۸.
- ۳۹- _____ (۱۳۸۵ش)؛ «مصنف عبدالرزاق صنعانی؛ منبعی برای احادیث سده نخست هجری»، *علوم حدیث*، دوره ۱۱، شماره ۲.
- ۴۰- _____ (۱۳۸۹ش)؛ *حدیث اسلامی؛ خاستگاه‌ها و سیر تطور*، به کوشش و ویرایش مرتضی کریمی نیا، قم، دارالحدیث.
- ۴۱- مهریزی، مهدی (۱۳۸۳ش)؛ «نگاهی به جریان‌های حدیثی معاصر اهل سنت»، *علوم حدیث*، پیاپی ۳۴، شماره ۴.
- ۴۲- نامعلوم (بی‌تا)؛ *الرسائل المهمة إلى مؤتمر الأمة*، بی‌جا، بی‌نا.
- ۴۳- هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)؛ *کتاب سلیم بن قیس*، قم، الهادی.
- ۴۴- هورویتس، یوزف (۱۳۸۷ش)؛ «قدمت و خاستگاه اسناد»، *علوم حدیث*، شماره ۴۸.